

دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، دانشگاه لرستان
سال دوم، شماره‌ی اول، پیاپی سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴ هـ ش/ ۲۰۱۵ م
صفحات ۱۹-۳۹

بینامتنیت قرآنی در اسلوب، واژگان و موسیقی کتاب «الایام» طه‌حسین

علی سلیمی^۱

پژمان ظفری^۲

چکیده

طه‌حسین نویسنده معاصر مصری، در احیای نثر عربی قدیم و پیوند دادن آن با ادب معاصر عربی نقشی برجسته ایفا نموده است. آگاهی گسترده او از میراث قدیم و به ویژه حفظ قرآن کریم در دوران کودکی، نقش به سزایی در شکل‌گیری شیوه ادبی او داشته است. این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی، بینامتنیت قرآنی در واژگان، ترکیبات، اسلوب و موسیقی کتاب «الایام» (آن روزها) اثر طه‌حسین را واکاوی نموده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم با تمام شیوه‌های بیانی متنوعش، بر سبک ادبی کتاب الایام طه‌حسین سایه افکنده است. اثرپذیری او از اسلوب و قالب‌های قرآنی، ابعاد گسترده‌ای دارد: استفاده از ساختارهای ترکیبی قرآن، کاربرد چندین اسلوب قرآنی در عبارات، به‌کارگیری واژگان و اصطلاحات قرآنی و اثرپذیری از فواصل موسیقایی آیات در پایان جملات، از جمله‌ی آنهاست. هنر او در این است که با ذهن سرشار از محفوظات قرآنی خود، شیوه‌ای نو و سهل و ممتنع در نگارش نثر معاصر عربی پدید آورده است. او توانست است با اقتباس از سبک قرآن کریم برخی از ساختارهای نحوی-زبانی را احیا نماید، ساختارهایی که نویسندگان معاصر عرب به کلی آن‌ها را به دست فراموشی سپرده‌اند.

کلید واژگان: قرآن کریم، طه‌حسین، الایام، اثرپذیری، بینامتنیت، اسلوب.

۱- استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی کرمانشاه، (نویسنده مسئول): salimi1390@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی کرمانشاه: zafari6262@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۲

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

قرآن کریم با زیبایی‌های ساختاری و محتوایش، از همان اوائل نزول، توانست دل‌ها را به سوی خود جذب نماید و تأثیر قابل‌توجهی در زمینه‌های فکری، فرهنگی و ادبی در جامعه به وجود آورد و «زبان عربی را توسعه ببخشد و آن را به مقام شیوایی و بیانی برساند» (الفخوری، ۲۰۰۵: ۱/ ۳۳۳). از جمله عرصه‌هایی که همواره قرآن کریم در آن حضوری مقتدارانه داشته، ادبیات است. چرا که قرآن با اعجاز بلاغی و ادبی خود توانسته، ادیبان و شاعران را به سوی گنجینه بی‌پایان اسالیب و مضامین خود بکشاند. نویسندگان و ادیبان زیادی چه در گذشته و چه در دوره‌ی معاصر از اسالیب و مضامین قرآن تأثیر پذیرفته‌اند و امروزه پژوهش‌های زیادی در زمینه‌های «تناس قرآنی» یا بینامتنیت شاعران و ادیبان از قرآن صورت گرفته است. ویژگی عمده این مطالب، تحلیل و بررسی اقتباس‌های مستقیم و رایج از آیات قرآنی در آثار شاعران و نویسندگان است. اما آن چه کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، اثرپذیری از ساختار و اسلوب قرآنی است که بسی مهم‌تر، عمیق‌تر و هنری‌تر از اقتباس‌های ساده از قرآن کریم است.

طه حسین^۱ نویسنده‌ی توانای معاصر عرب، انس و مصاحبت عمیقی با قرآن کریم داشت، چنان که خود در کتاب الایام می‌گوید: «و لم یبلغ التاسعة من عمره حتی قد وعی من الأغانی و التعدید و القصص... و حفظ إلى ذلك کلّ القرآن» (حسین، ۱۱۱۹: ۱/ ۳۱) (هنوز به سن نه سالگی نرسیده بود که ترانه‌ها، اعداد، داستان‌ها... و در کنار تمام اینها، قرآن را نیز حفظ کرد). از این رو به وفور از اسلوب و ساختار قرآن در مجموعه کتاب‌هایش بهره گرفته است. از آنجایی که بررسی تمام آثار او، مجالس بس وسیع‌تر از این مقاله می‌طلبد، در این پژوهش، تنها به بررسی اثرپذیری از اسلوب قرآن در سه مجلد کتاب «الایام» بسنده شده است.

همان‌طور که بیان شد اثرپذیری وی از قرآن به گونه دیگر ادیبان و نویسندگان، اقتباس‌های مستقیم و رایج نیست. زیرا اگر چنین باشد نمی‌توان اسلوب طه حسین را از دیگر ادیبان متأثر از قرآن، جدا نمود. این مسأله در نزد وی بسی مهم‌تر و هنری‌تر از

دیگران تجلی یافته است. بدین معنا که او اسلوب قرآنی را به شکلی هنری، با سبک نگارش خود به هم آمیخته و با آن، ظرفیتی جدید برای خلق نثر ادبی معاصر عربی آفریده است که در نوع خود، بهترین، عمیق‌ترین و هنری‌ترین اسلوب^۲ در تناسف قرآنی به شمار می‌رود. او چنان آمیختگی میان آیات قرآن و اسلوب بیانی خود ایجاد می‌کند که به سختی می‌توان عنصر تضمین آیات را در آن متن تشخیص داد. این خلاقیت اسلوبی موجب شده که خواننده میان اقتباس‌های قرآنی وی و بیان مفاهیم عادی نثر او، هیچ‌گونه گسستگی و ناموزونی احساس نکند. نکته‌ی قابل تأمل این است که قدرت اثرگذاری بی‌نظیر قرآن با تمام ویژگی‌های ساختاری و موسیقایی آن بر سبک متن او سایه افکنده است، به طوری که می‌توان ادعا کرد ویژگی اسلوب «سهل و ممتنع» او، ناشی از اثرگذاری اسالیب اعجاز‌آمیز قرآن است.

مظاهر اثرپذیری وی از قرآن جوانب متعددی دارد. گاهی عبارات و اسالیب قرآنی را برای معنای مورد نظرش همراه با تغییراتی به کار می‌برد. گاهی چندین اسلوب قرآن را یکجا و هم‌زمان در جملات خود می‌آمیزد. گاهی از اسالیب فواصل آیات قرآنی در انتهای جملات خود بهره می‌گیرد که همین امر، به شیوه نویسنده‌ی وی زیبایی و جذابیت آهنگینی بخشیده است. گاهی نیز از واژگان و اصطلاحات قرآنی و اسالیب متنوع حروف آن، به گونه‌ای بهره می‌گیرد که شاید نتوان در نثر دوره‌ی معاصر همانندی برای او پیدا کرد. این مقاله بر آن است که به سؤال زیر پاسخ بدهد:

بینامتنیت اسلوبی با قرآن کریم در «الایام» چگونه متجلی شده که موجب تفاوت این اثر با دیگر آثار نثر معاصر عربی شده است؟

۱-۲. پیشینه‌ی تحقیق

امروزه تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی در زمینه «تناسف قرآن» (بینامتنیت قرآن) صورت گرفته و مقالات متعددی در این زمینه به نگارش درآمده است که ویژگی عمده این پژوهش‌ها، آن است که اقتباس مستقیم و رایج و یا به گونه تلمیح شاعران یا ادیبان از آیات قرآن بررسی شده است. اما پژوهش در زمینه اثرپذیری اسلوبی از قرآن یا به

دیگر عبارت، «بینامتنیت سبکی» که بسی مهم‌تر، عمیق‌تر و اثرگذارتر از نوع اولی است، آن‌چنان که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است و با جستجوهای صورت گرفته، موردی که در این باره به دست آمده، «سبک‌شناسی بینامتنی قرآنی در اشعار تازی سعدی» (۱۳۹۲) از دکتر نصرالله شاملی است.

صاحب‌نظران و ناقدان معاصر از زوایای گوناگونی اسلوب ادبی طه‌حسین را مورد بررسی و کندوکاش قرار داده‌اند؛ اما اثرپذیری وی از اسلوب قرآن، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است که برخی از ناقدان ادب عربی از جمله «بدرای زهران» به صورتی بسیار گذار به پاره‌ای از این اثرپذیری در کتاب «اسلوب طه‌حسین فی ضوء الدرس اللغوی الحدیث» اشاره کرده است. (زهران، ۱۱۱۹: ۵۰-۵۲) این پژوهش، بینامتنیت اسلوبی را در کتاب الایام واکاوی نموده است.

طه‌حسین در این کتاب برای تزیین متون ادبی خود، تنها به تکرار الفاظ و عبارات قرآن کریم اکتفا ننموده، بلکه به بالاترین سطح بینامتنیت، یعنی بهره‌گیری از معنا و سبک آیات قرآن کریم در بافتی جدید و فضایی نو پرداخته است.

۲. نگاهی به کتاب «الایام» و ویژگی ادبی آن

کتاب «الایام»، زندگی‌نامه «السیرة الذاتية» طه‌حسین، نویسنده روشن‌دل مصری است که در سه بخش تدوین شده است. این کتاب به گفته خاورشناسان و صاحب‌نظران عرب، از اسناد مهم تاریخی دوران اخیر محسوب می‌شود که مضامین آن انعکاس دهنده عواطف و احساسات ناب انسانی است و قهرمان اصلی آن، خود طه‌حسین است.

بخش اول کتاب، از دوران کودکی و مشکلات نابینایی و جامعه مصر بحث می‌کند. بخش دوم، درباره ماجراهای ورودش به دانشگاه «الازهر» و انتقادهایش از رکود علمی و ادبی این دانشگاه در آن زمان است.

در بخش سوم، درباره سفر به فرانسه و بازگشت به مصر و ازدواجش با یک فرانسوی صحبت می‌کند.

درباره سبک ادبی و داستان‌سرایی وی، سخنان زیادی از سخن‌شناسان نقل شده

است که گروهی او را ادیبی توانا و از درجه اول به حساب آورده‌اند (ادهم، ۱۹۸۵: ج ۱، ص ۲۹۸). گروهی دیگر شیوه نگارش او را منحصر به فرد دانسته و سبک وی را مدرسه‌ای مستقل در نثر به شمار آورده‌اند (همان) و عده‌ای هم اسلوب او را «سهل و ممتنع» نام نهاده‌اند (الکاشف، ۱۹۸۷: ص ۲۱۲). دکتر شوقی ضیف اسلوب او را بسیار شبیه به قدما و از جهت واژگان فخیم و سرشار از موسیقی به ویژه شبیه جاحظ می‌داند (ضیف، ۱۹۷۱: ص ۲۸۶-۲۸۷). دکتر بدرای نیز معتقد است که طه‌حسین از ساختار جملات و سبک نثر میراث گذشته و در صدر آن از قرآن کریم به خوبی در آثارش و به ویژه در کتاب الایام بهره گرفته است. (زهران، ص ۵۰-۵۲)

۳. اثرپذیری طه‌حسین از اسلوب قرآنی در کتاب «الایام»

تأثیر اسلوب قرآن در ساختار نگارش کتاب «الایام»، به قدری پررنگ و برجسته است که آن را به گونه‌ای منحصر به فرد از نثر معاصر عربی تبدیل نموده است. با تأکید می‌توان گفت یکی از شاخصه‌های مهم اسلوب طه‌حسین در این کتاب، اثرپذیری اسلوبی و ساختاری از قرآن کریم است. این ویژگی به این میزان و با این خلاقیت هنری به ندرت در آثار نویسندگان معاصر دیگر یافت می‌شود.

۳-۱. اثرپذیری از اسلوب‌های ترکیبی بلند قرآن کریم

طه‌حسین در سبک نگارش کتاب «الایام»، به گونه‌ای زیبا و دلربا، از ساختار جملات بلند قرآن، در فضا و سیاقی که اراده کرده، استفاده نموده است. به عنوان مثال در عبارت ساده زیر که درباره بی‌اعتمادی و عدم اطمینانش به مردم سخن می‌گوید، این مضمون را در قالب اسلوبی قرآنی چنین بیان می‌کند: «قَدْ ضُرِبَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ وَ الْأَشْيَاءِ حِجَابٌ ظَاهِرُهُ الرِّضَا وَ الْأَمْنُ وَ بَاطِنُهُ مِنَ قَبْلِهِ السُّخْطُ وَ الْخَوْفُ». (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۱۳)

این ساختار، در قرآن کریم، در بیان موضوعی بسیار مهم در روز قیامت، یعنی حد فاصل و مانعی که میان مؤمنان و کافران ایجاد می‌شود، به کار رفته است. باطن آن که

در جهت مؤمنان است بهشت، و ظاهر آن که در جهت کافران قرار دارد، عذاب و خشم الهی است: «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ». (حدید: ۱۳)

او در جای دیگری از تلاش خود در راه تحصیل سخن می‌گوید و از اینکه تا آن هنگام، این تلاش‌ها فایده‌ای مادی در بر نداشته، گلایه‌مند است. وی از اینکه سربار دیگران شده، ناراحت و اندوهگین است: «وَإِلَىٰ أَنْ يُصْبِحَ آخِرَ الْأَمْرِ كُلًّا عَلَىٰ أَسْرَتِهِ أَيْنَمَا تَوَجَّهَتْ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۷۲).

در قرآن کریم، خداوند در بیان هدایت و گمراهی، دو نمونه انسان را مثل زده است. یکی از آن‌ها گنگ و لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید. او سربار صاحبش شده، هر جا که او را می‌فرستد، خیریی به همراه نمی‌آورد اما دیگری، انسانی توانمند است که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است:

«وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجَّهَتْ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ» (نحل: ۷۶)

در نمونه زیر، شباهت ساختاری از قرآن کریم مشاهده می‌شود. هرچند از اقتباس واژگانی، اثری دیده نمی‌شود: «كَانَ شَاحِبَ اللَّوْنِ مُهْمَلِ الزَّيِّ، أَقْرَبَ إِلَى الْفَقْرِ مِنْهُ إِلَى الْغِنَى» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱، ص ۱۴۸).

او در جای دیگری از همین اسلوب زیبا استفاده کرده است: «فَقَدْ كَانَ يَتَحَدَّثُ فِي صَوْتٍ هُوَ إِلَى الْخُفُوقِ، أَقْرَبَ مِنْهُ إِلَى الْجَهْرِ» (همان: ج ۲، ص ۵۶).

اسلوب بیانی فوق که برگرفته از قرآن کریم است و در نثر معاصر عربی به کلی به دست فراموشی سپرده شده، توسط طه حسین، با الهام از این آیه‌ی شریفه احیا شده است: «هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ» (آل عمران: ۱۶۷)

او در جای دیگری، مقصود و توصیه استادش را این‌گونه در قالب ساختار قرآنی بیان می‌کند: «لَا تَحْضُرْهُ مِنْ عَامِكَ هَذَا فَإِنَّ الْقَوْمَ يَأْتِمُرُونَ بِكَ لَيْسَقُطُوكَ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۳).

سیاق، مضمون و اسلوب بیانی جمله، الهام گرفته از قرآن کریم است، آن جا که درباره مردی سخن می‌گوید که خبر توطئه برای کشتن حضرت موسی از طرف قوم فرعون را به او رساند: «قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ» (قصص: ۲۰) او در جای دیگر، درباره مشکلات نگاشتن کار پایان‌نامه‌اش چنین می‌گوید: «ذَلِكَ الَّذِي أَرْهَقَهُ مِنْ أَمْرِهِ عُسْرًا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۳۰)

که برگرفته از اسلوب سخن گفتن حضرت موسی با خضر (ع) است. طه‌حسین در این جا، با الهام از قرآن کریم، تناسبی سبکی، واژگانی و مضمونی در گفتگوی میان استاد و شاگرد را هم به خواننده القا می‌نماید و این سخن او کاملاً برگرفته از آیه شریفه «قَالَ لَا تَأْخِذْ بِمَا نَسِيتَ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا» (کهف: ۷۳) است. او در عبارت زیر، اسلوب قرآنی را جلوی دیدگان خود قرار می‌دهد و منظورش را در قالب آن به تصویر می‌کشد: «أَتَاخُوا لَهُ أَنْ يَأْوِي إِلَيَّ رُكْنٍ شَدِيدٍ مِنَ الثَّقَافَةِ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۳۷). متن قرآن چنین است: «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَيَّ رُكْنٍ شَدِيدٍ» (هود: ۸۰)

هنر طه‌حسین در این است که در بسیاری از تناسبات قرآنی خود، میان اسلوب، واژگان و مضمون هماهنگی پدید می‌آورد و معنی مورد نظرش را در سیاقی قرآنی، بیان می‌نماید. او در وصف بیرون رفتن دوستان از قصر و نجوای آن‌ها با هم با الهام از داستان حضرت یوسف، می‌گوید: «خَلَصَ الرَّفَاقُ بَعْدَ أَنْ خَرَجُوا مِنَ الْقَصْرِ نَجِيًّا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۹۲). این جمله، از نجواها و مشورت‌های فرزندان یعقوب با هم، برای برگرداندن برادرشان به کنعان الهام گرفته است: «فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا» (یوسف: ۸۰)

او در جمله زیر، احوال دوستان فقیر خود را بیان می‌کند که چیزی ندارند تا با آن، نیازهایشان را برآورده کنند: «وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ لِيُقِيمُوا أَوْدَهُمْ وَيَسْتَرُوا جِسْمَهُمْ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۰۰) که الهام از آیه زیر است که در آن، بحث فقیرانی مطرح است که چیزی ندارند تا در راه خدا انفاق کنند: «وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ» (توبه: ۹۱).

او در جای دیگر، درباره دو تن از دوستانش که وی را وسیله‌ای برای رسیدن به اهدافشان قرار داده‌اند، می‌گوید: «وَأَبْتَعُوا بِهِ إِلَيْهِمَا الْوَسِيلَةَ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱، ص ۶۶)

«و ما يَمْنَعُهُ أَنْ يَتَّبِعِي إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (همان: ج ۳، ص ۴۷). این ساختار و مضمون برگرفته از آیه زیر است که مفهوم آن، تشویق مؤمنان به انجام عمل صالح است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائد: ۳۵).

در اسلوب داستان‌نویسی طه‌حسین، نمونه‌های فراوانی از اثرپذیری ترکیبی از آیات قرآن کریم در فرایند معناسازی یافت می‌شود که نمونه برجسته دیگری را می‌توان در عبارت زیر مشاهده نمود:

«مَنْ كَانَ مِنْكُمْ حَرِيصًا عَلَيَّ أَنْ لَا تَبْطُلَ صَلَاتُهُ فَلْيَتَّبِعْنِي» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱، ص ۸۳) این جمله برگرفته از آیه «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» (بقره: ۱۸۴) است.

او در جای دیگر، به شکلی ترکیبی از سیاق، واژگان و اسلوب قرآنی استفاده کرده است: «قَدِمَ إِلَيْهِمْ مِنْ طَيِّبَاتِ الطَّعَامِ مَا لَمْ يَكُنْ لَأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۴۰). با اندک تأملی در این ساختار، موجی از واژگان و ساختار قرآن نمایان می‌شود. چرا که در ابتدا واژه «طَيِّبَاتٍ» که به صورت جمع آورده شده، واژه قرآنی است: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (بقره: ۵۷) و عبارت «لَأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ» نیز برگرفته از اسلوب آیه: «وَمَا وَجَدْنَا لَأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ» (اعراف: ۱۰۲) می‌باشد. بدیهی است که طه‌حسین با ذوق سرشار هنری خود توانسته است ساختار آیات را در هم ادغام و ترکیب کند و با آن‌ها عبارات و ترکیب‌های جدیدی را بازآفرینی کند و این امر نشان از اعجاز هنری قرآن است که چگونه ذهن و زبان ادیب را تسخیر کرده است.

او در مثال زیر که بحث امتحانات خودش را در دانشگاه به تصویر کشیده، تعبیر و ساختار قرآنی را برای بیان مقصود خود برگزیده است: «و جَرَّتْ رِيحُ الْإِمْتِحَانِ لَهُ رِخَاءً حَتَّى رَفَعَتِ الْجَلْسَةَ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۲۹) که الهام از داستان حضرت سلیمان است که خداوند باد را به تسخیر او درآورده بود و به هرکجا که می‌خواست، باد به آرامی به آنجا می‌وزید: «فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رِخَاءً حَيْثُ أَصَابَ» (ص: ۳۶).

۳-۲. هنرنمایی در آمیختن چندین اسلوب قرآنی

توانایی و هنرآفرینی طه‌حسین در بهره‌گیری از ترکیب‌های بلند قرآنی، تنها به یک ترکیب خلاصه نمی‌شود؛ گاهی به طور هم‌زمان از چندین ساختار قرآنی در کتاب‌هایش به ویژه در کتاب «الایام» استفاده کرده است که در این جا، به طور خلاصه به چند نمونه اشاره می‌گردد:

او در متن زیر، با وام‌گیری واژگانی و اسلوبی از چندین ترکیب قرآنی، ارتباط خود با برادرش و اختلاف پدید آمده با او را به تصویر کشیده است:

«عَلَىٰ أَنْ الْأَيَّامَ أَبَتْ إِلَّا أَنْ تَشَقَّ عَلَيْهِ وَ تُرْهِقَهُ مِنْ أَمْرِهِ عُسْرًا، فَقَدْ كَانَ يَعْيشُ مَعَ أَخِيهِ عَيْشَةَ رَاضِيَةٍ عَلَىٰ مَا فِيهَا مِنْ قَسْوَةٍ وَ مَشَقَّةٍ... لَكِنَّهُمَا مَا يَلْبَثَانِ أَنْ اخْتَلَفَا... يَسْكُنُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي مَنْزِلٍ غَيْرِ الَّذِي يَسْكُنُهُ أُخُوهُ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۸۲).

متن فوق، آمیختگی از سه اسلوب مختلف قرآن است. در ابتدا عبارت: «تُرْهِقَهُ مِنْ أَمْرِهِ عُسْرًا» برگرفته از آیه: «وَ لَا تُرْهِقُنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا» (کهف: ۷۳) است و عبارت: «عَيْشَةَ رَاضِيَةٍ» از آیه: «فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ» (قارعه: ۷) اتخاذ شده است و عبارت سوم: «يَسْكُنُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي مَنْزِلٍ غَيْرِ الَّذِي يَسْكُنُهُ أُخُوهُ» برگرفته از قالب و اسلوب آیه: «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ» (اعراف: ۱۶۲) می‌باشد.

در نمونه زیر که وصف زندگی نویسنده در فرانسه است، توانمندی وی در بهره‌گیری از اسالیب متعدد قرآنی به خوبی جلوه‌گر است:

«كَانَ غَرِيبًا فِي فَرَنْسَا وَ كَانَ يَرَىٰ أَنَّ مَا يَصِلُ إِلَيْهِ مِنَ حَيَاةِ النَّاسِ لَيْسَ إِلَّا ظَوَاهِرًا لَا تَكَادُ تُغْنِي عَنْهُ شَيْئًا وَ كَانَتْ الطَّبِيعَةُ بِالْقِيَاسِ إِلَيْهِ كَلِمَةً يَسْمَعُهَا وَ لَا يَعْقِلُهَا كَأَنَّمَا أُغْلِقَ مِنْ دُونِهَا بِالْقِيَاسِ إِلَيْهِ بَابٌ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۱۴)

در این عبارات، چهار ساختار قرآنی نمایان است:

«حَيَاةِ النَّاسِ لَيْسَ إِلَّا ظَوَاهِرًا» برگرفته از آیه: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم: ۷) است.

عبارت: «لَا تَكَادُ تُغْنِي عَنْهُ شَيْئًا» از آیه: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُبْصِرُ وَ لَأُيَسِّرَنَّ عَنْكَ شَيْئًا» (مریم: ۴۲) گرفته شده است.

عبارت: «لَا يَعْقِلُهَا» و استفاده از چنین تعبیری در آیه: «وَوَلَّكَ الْأَمْثَالَ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ» (عنکبوت: ۴۳) نمایان می‌شود و در نهایت، عبارت: «أَغْلِقْ مِنْ دُونِهَا بِالْقِيَاسِ إِلَيْهِ بَابٌ» برگرفته از آیه: «لَمَّا نَجَعَلْ لَهُمْ مِّنْ دُونِهَا سِتْرًا» (کهف: ۹۰) می‌باشد.

وی در جای دیگری، در شرح سفر خود به فرانسه، اوج توانمندی خود را در بهره‌گیری از اسلوب بیانی قرآن را نشان داده است: «يَنْظُرُ فَإِذَا هُوَ يَهْبِطُ مَعَ الْهَابِطِينَ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۳۳). در این جا، ابتدا واژگان خود را از کلمات آیه زیر انتخاب کرده است:

«وَوَلَّكَ الْأَمْثَالَ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ» (بقره: ۳۶) از لحاظ ساختار جمله، از اسلوب «إِذَا» فجائیة در قرآن کریم و از سبک آیه: «وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّآكِعِينَ» (بقره: ۴۳) استفاده کرده است.

۳-۳. اثرپذیری اسلوبی از فواصل آیات

طه حسین در اسلوب داستان‌نویسی خود، از قرآن کریم به شکل‌های مختلف و متنوعی بهره گرفته است. یکی دیگر از ابعاد اثرپذیری وی، بهره‌گیری از فواصل موسیقایی قرآن است که اسلوب داستانی وی را بیش از پیش، پویا و آهنگین ساخته است. به عبارتی دیگر طه حسین نه تنها در قلب متون داستانی خویش، از اسلوب قرآن استفاده می‌کند؛ بلکه در پایان عبارات خود نیز از فواصل و ساختار پایانی آیات بهره می‌گیرد. او در بسیاری از موارد، برای ختم جملات خود از فواصل آیات استفاده کرده است. در این جا به ذکر نمونه‌هایی از آن‌ها اکتفا می‌گردد. او در متن زیر، در شرح گفتگوی خود با مادرش، با استفاده از اسلوب و واژگان داستان حضرت موسی در قرآن کریم می‌گوید: «حِينَ سَمِعْتُ أُمَّي تُنَادِينِي، فَالْتَفَتْتُ فَإِذَا هِيَ قَائِمَةٌ تَسْعَى» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱، ص ۹۵) که در داستان حضرت موسی و عصای او که تبدیل به ماری شتابان شد، آمده است: «فَأَلْفَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى» (طه: ۲۰)

او در جای دیگر، در وصف شرم و حیای خود، به هنگام خوردن غذا می‌گوید: «فلا یزیدُهُ ذلک إِلَّا اضْطِرَاباً و اختلاطاً» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۵۱). این شیوه بیان، ملهم از آیه زیر است که مضمون آن درباره شفاف‌بخشی این کتاب آسمانی برای مؤمنان و زین‌مندی برای کافران است: «و لَا یَزِیدُ الظَّالِمِینَ إِلَّا خَسَاراً» (اسراء: ۸۲)

در عبارت‌های زیر، به روشنی می‌توان هنرنمایی نویسنده در استفاده از واژگان، اسلوب و موسیقی قرآنی را مشاهده نمود:

- «بَعْدَ أَنْ مَضَى عَلَی وَصُولِ الْأَسْرَةِ وَقَتِّ غَیْرِ قَصِیرٍ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۱۷۸).

- «كَانَ مُرَوِّدًا بِمَقْدَارٍ مِنَ الشَّقَاءِ غَیْرِ قَلِیلٍ» (همان: ج ۳، ص ۹۹).

- «وَمَا كَانَ یَغْلِبُهُ التَّوَمُّ إِلَّا قَلِیلًا» (همان: ج ۱، ص ۹).

- «أَسْرَعَتِ الْأَسْرَةُ إِلَى طَعَامِهَا وَ لَمْ تُصِْبْ مِنْهُ إِلَّا قَلِیلًا» (همان).

- «یَصُوبُ عَلَیْهِمْ هَرَاءٌ هَذَا بِغَیْرِ حِسَابٍ» (همان: ج ۲، ص ۴۶).

در ساختار و واژگان جملات مذکور، ذهن نویسنده که سرشار از محفوظات قرآنی بوده، از آیات زیر الهام گرفته است:

«وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِینَ غَیْرِ بَعِیدٍ» (ق: ۳۱)، «فَمَكَثَ غَیْرَ بَعِیدٍ» (نمل: ۲۲)، «عَلَى

الْكَافِرِینَ غَیْرَ یَسِیرٍ» (مدثر: ۱۰)، «وَلَا یَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِیلًا» (نساء: ۱۴۲)

او علاوه بر به کار بردن واژگان قرآنی، با تکرار صفات در جملات پایانی متن خود، یک نوع آهنگ و موسیقی در نثر معاصر عربی خلق نموده است: «أَلَسْتَ تَرَى فِیْمَا حَلَّ بِشِیْخِنَا ظُلْمًا وَ عُذْوَانًا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۱۵۲). این شیوه بیانی ملهم از قرآن کریم است: «فَقَدْ جَاؤُوا ظُلْمًا وَ زُورًا» (فرقان: ۴) و «وَمَنْ یَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُذْوَانًا وَ ظُلْمًا» (نساء: ۳۰).

او در جای دیگری در وصف تواضع خود در برابر استادانش می‌گوید: «فَیَمْتَلِئُ لَهَا قَلْبُهُ رَهْبًا وَ رَعْبًا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۱۹). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «یَدْعُونَنَا رَعْبًا وَ رَهْبًا» (انبیاء: ۹۰)

از موارد دیگری که در انتهای جملات کتاب «الایام» بسیار دیده می‌شود، به کار بردن واژه «شیئا» می‌باشد که این واژه را در ساختاری مانند اسلوب قرآن کریم به کار می‌گیرد. عبارت زیر که مضمون آن، درباره یکی از استادان طه‌حسین است، این گونه

خاتمه می‌یابد: «وَلَمْ يَفِدْ مِنْهُ شَيْئًا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۱۳۴) که الهام از متن قرآنی است: «وَلَمْ تَطْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا» (کهف: ۳۳).

در عبارات زیر، طه حسین درباره موفقیت درسی خویش سخن می‌گوید. اما آن از یک معنای قرآنی الهام گرفته است که رستگاری را ناشی از اطاعت از خداوند دانسته است: «زَعَمَ أَنَّهُ قَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۹). این عبارت ملهم از آیه شریفه «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب: ۷۱) است.

این گونه اثرپذیری از ترکیب‌های فواصل قرآن کریم در «الایام» فراوان به کار رفته که در این جا تنها به ذکر چند نمونه دیگر از آن‌ها بسنده می‌گردد:

- «فَهُوَ الْمَاءُ الْبَارِدُ يُصَبُّ عَلَى الْجِسْمِ فِي الْبَيْتِ صَبًّا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۹۵). متن قرآنی: «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا» (عبس: ۲۵).

- «فَيَنْقُضِي مَعَهُ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۱۰۴). متن قرآنی: «وَوَيْوَمَ يَخْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ» (یونس: ۴۵).

- «تَتَجَنَّبُ الْإِيذَاءَ وَ مَا وَجَدَتْ إِلَّا ذَلِكُ سَبِيلًا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۱). متن قرآنی: «وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهَ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا» (نساء: ۸۸)

۳-۴. اثرپذیری از ساختار عبارات کوتاه قرآنی

ارزش هنری و ادبی اثر طه حسین، در گرو اثرپذیری‌های متنوع و گوناگون او در همه سطوح: واژگانی، اسلوبی و موسیقایی از قرآن کریم است. وی همان طور که از ساختار جملات بلند قرآنی استفاده نموده، از اصطلاحات کوتاه و واژگان قرآنی که یک نوع آشنایی‌زدایی در نثر عربی معاصر به شمار می‌رود، الهام گرفته و آن‌ها را به نثر معاصر تبدیل نموده است. در این جا به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌گردد. از ویژگی‌های شاخص نثر طه حسین که یک نوع «آرکائیسیم» (سنت‌گرایی) با اصالت است، به کارگیری برخی صیغه‌ها و واژگان قرآنی است که اکنون در میان نویسندگان معاصر رایج نیست. به عنوان مثال به کار بردن واژه مفرد «عدو» به جای «أعداء» در عبارت: «وَاتَّخَذَهُمْ لِنَفْسِهِ عَدُوًّا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۸) متأثر از اسلوب قرآنی است که خداوند

درباره بت‌ها، از زبان حضرت ابراهیم می‌فرماید: «فَأَنهٖمُ عَدُوٌّ لِّي إِلَآ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء: ۷۷). همچنین خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» (ممتحنه: ۱).

او همچنین از برخی اسلوب‌های رایج در نثر معاصر آشنایی‌زدایی می‌کند و به تقلید از اسلوب قرآنی یک ساختار نحوی کهن را احیا می‌نماید، عبارت زیر نمونه‌ای از آن است: «كَانَتْ قِيُودُهَا شِدَاداً ثِقَالاً» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۸۹). آنچه که در وصف جمع غیرعادل در نثر معاصر غالباً رایج و معمول است، کاربرد آن به صورت مفرد مؤنث است. مثلاً گفته می‌شود: «قیودها شدیدة ثقیلة» اما طه‌حسین به پیروی از اسلوب قرآنی، آن را مانند آیه مبارکه: «حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا» (اعراف: ۵۷) صفت را با جمع مکسر آورده است.

او همچنین در سبک نگارش خویش، واژگان قرآنی را بر واژگان رایج و معمول ترجیح می‌دهد: «إِنَّمَا كَانَ يَتَّخِذُ الْجِيَادَ وَ الْبِغَالَ وَ الْحَمِيرَ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱، ص ۸۹). استفاده از واژه «حمیر» به جای واژه رایج حمار، کاملاً اثرپذیری از اسلوب قرآن را نشان می‌دهد. وَالْخَيْلَ وَ الْبِغَالَ وَ الْحَمِيرَ لَتَرْكَبُوهَا وَ زِينَةً (نحل: ۸).

او در اصول نگارش خود از واژگان فخیم و محکم قرآنی فراوان بهره می‌گیرد، این امر، سبب فخامت و اصالت متون ادبی وی گردیده است: «فَبِهٖتَ الْفَتَىٰ حِينَ سَمِعَ هٰذِينَ الْإِسْمِينَ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۳۳) و يَتَجَنَّبُهَا الْفَتَىٰ لِأَنَّهُمْ لَمْ يَكُنْ يَعْرِفُ لُغَةً أَعْجَبِيَةً (همان: ج ۳، ص ۴۳). عبارت‌های مذکور ملهم از آیات شریفه زیر است: «فَبِهٖتَ الَّذِي كَفَرَ» (بقره: ۲۵۸) و «وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَىٰ» (الأعلى: ۱۱).

با تأمل در ترکیب‌های فوق، روشن می‌شود که وی واژه مجهول «بِهت» را با همان ساخت قرآنی در مضامین خود به کار برده است، همچنین استفاده از واژه «يَتَجَنَّبُهَا» در متن، نمونه دیگری از اقتباس واژگانی از قرآن را نشان می‌دهد.

او در جای دیگری این چنین از واژگان قرآنی اقتباس می‌کند: «و يَنَآوُنْ بِدُرُوسِيهِمْ وَ طَلَّابِهِمْ عَنِ الْأَزْهَرِ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۷۵). واژه‌ی «يَنَآوُنْ» واژه‌ای قرآنی است که در

آیه مبارکه با همان صیغه مضارع به کار رفته است: «وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأُونَ عَنْهُ» (انعام: ۲۶).

از دیگر موارد اثرپذیری طه حسین از واژگان قرآنی، واژه «خَيْلَ» با متعلق آن، یعنی حرف جر «إِلَى» است که به فراوانی از این ماده فعلی در متون خود استفاده کرده است. مثال زیر که درباره‌ی دوران کودکی و رفتن به مکتب خانه است، نمونه‌ای از این کاربرد است: «وَهُوَ يَلْهُو بِذَلِكَ وَيَبْعَثُ بِهِمْ وَبِكِتَابِهِمْ وَبِسَيِّدِنَا وَكَانَ قَدْ خَيْلَ إِلَيْهِ أَنْ الْأَمْرَ قَدْ انْبَتَّ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱، ص ۶۳) در قرآن کریم، در داستان حضرت موسی، درباره ساحران که در برابر او با عصا و طناب به سحر پرداختند، آمده است: «قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمُ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى» (طه: ۶۶).

او برخی از کلمات را در سیاق و معنایی به کار می‌برد که امروزه بسیار اندک از آن استفاده می‌شود. به عنوان مثال واژه «اتَّخَذَ» به جای واژه «وَضَعَ» در این متن است: «وَلَبَسَ الْفَتَى الْأَزْهَرِي ثِيَابَهُ الْجَدِيدَةَ وَاتَّخَذَ فِي هَذَا الْيَوْمِ عِمَامَةً خَضْرَاءَ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱، ص ۷۰). در این مثال، واژه «اتَّخَذَ» برای عمامه بر سر نهادن استعمال شده است در حالی که برای این معنی در نثر ادبی، غالباً از واژه وَضَعَ استفاده می‌شود. به عنوان مثال سَحِيمُ بْنُ وَثِيلِ الرِّيَّاحِيِّ یکی از شاعران قبیله بنی حَمِيرٍ این گونه می‌سراید: «أَنَا ابْنُ جَلَا وَطَلَّاعُ الشَّنَايَا = مَتَى أَضَعَ الْعِمَامَةَ تَعْرِفُونِي» (من انسان مشهوری هستم و خود را به سختی‌ها می‌زنم، هر گاه کلاه جنگ را بر سر نهم (شجاعت من را خواهید شناخت) (الصعیدی، ۲۰۰۵: ج ۱، ۱۷۸).

طه حسین در جای دیگر، واژه «اتَّخَذَ» را به جای «اخْتَارَ» قرار داده و گفته است: «كُلُّ ذَلِكَ لِأَنَّ الْفَتَى الْأَزْهَرِي قَدْ اتَّخَذَ فِي الْيَوْمِ خَلِيفَةً وَ مَا بِالْأُمَّةِ اتَّخَذَ خَلِيفَةً دُونَ غَيْرِهِ مِنَ الشَّبَّانِ؟» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱، ص ۷۱). این کاربرد ملهم از اسلوب قرآنی است که برای بیان معانی زیادی از واژه «اتَّخَذَ» استفاده می‌کند: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ» (توبه: ۳۱).

او در جای جای متون ادبی و داستانی خود، به ویژه در کتاب «الایام» از اصطلاحات و

اسلوب قرآنی به طور زیبایی استفاده کرده است. در عبارت زیر نمونه‌ای از این اثرپذیری را مشاهده می‌کنیم:

«فَتَجِدُونَ مِثْلَهُ إِعْرَاضاً وَ صُمْتاً حَتَّى ظَنُّوا بِهِ الظُّنُونَ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۰۰). عبارت «ظنُّوا بِهِ الظُّنُونَ» برگرفته از آیه مبارکه: «وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَ» (احزاب: ۱۰) است. او در جای دیگر، در شرح موانع موجود بر سر راه آموزش و کینه برخی نسبت به دیگران می‌گوید: «وَحِيلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ التَّعْلِيمِ فِي الْجَامِعَةِ أَعْوَاماً» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۲۲). «لكن بَعْضُهُمْ لِرُؤْمَلَائِهِمْ مِنْ طَلَّابِ الأَزْهَرِ زَادَ أضعافاً مُضاعَفةً» (همان: ج ۳، ص ۱۸). این عبارت‌ها برگرفته از اسلوب آیات مبارکه: «وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ» (سبأ: ۵۴) یا «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافاً مُضَاعَفةً» (آل عمران: ۱۳۰) است.

او در نثر معاصر عربی، واژگان و اسلوب‌هایی را زنده نموده که به ندرت در متون ادبی دیده می‌شود. به عنوان مثال به کار بردن اصطلاح «رَأَى العَيْنِ» در عبارت زیر نمونه‌ای از آن‌هاست: «كَانَ تلاميدُ الشَّيخِ يَرَوْنَ مِنْهُ ذَلِكَ رَأَى العَيْنِ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۱۶۲). این مفهوم الهام گرفته از آیه شریفه: «وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِيهِمْ رَأَى العَيْنِ» (آل عمران: ۱۳) است.

او در جای دیگر، در بیان فرا رسیدن زمان اجازه گرفتن، می‌گوید: «حتى أَوْشَكَتِ الأَجَازَةُ أَنْ تَبْلُغَ أَجْلِهَا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۱۸۰). در قرآن کریم در وصف قیامت، از این تعبیر استفاده شده است: «وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَقَّى مِنْ قَبْلُ وَ لَيَبْلُغُوا أَجْلاً مُسَمًّى» (غافر: ۶۷).

او در موردی دیگر، در بیان طولانی شدن زمان خاطراتش، می‌گوید: «فَهُوَ يَذْكُرُهَا بَعْدَ أَنْ طَالَ عَهْدُهُ بِهَا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۱۵). در قرآن کریم نیز مدت زمان رفتن حضرت موسی به کوه طور و برگشتنش به میان قوم خود، با همین تعبیر بیان شده است. تا جایی که او با حالت تعجب، از قوم خود می‌پرسد: آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامیده است که این چنین از راه راست منحرف شده‌اید؟ «أَفَطَالَ عَلَيَّكُمْ العَهْدُ» (طه: ۸۳).

او در جای دیگر، برای بیان پاره‌ای از روز، از شیوه قرآنی بهره می‌گیرد. مضمون متن

زیر مطالعه خانواده‌اش در طول شب و روز را بیان می‌کند: «فَیَعْكفُوا عَلَيْهَا نَهَارَهُمْ وَ أَطْرَافاً مِنْ لَيْلِهِمْ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۱۷۵). مضمون آیه قرآن درباره به تسبیح‌گویی خداوند از طرف مؤمنان در پاره‌ای از روز است: «وَ مِنْ أَنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ» (طه: ۱۳۰).

از دیگر تعابیر زیبای طه حسین و اثرپذیری وی از قرآن، به کار بردن تعابیر «بعض یوم» یا «بعض شهر» و... در معنای نصف روز یا نصف ماه است، چنین تعبیری نیز به طور یقین برگرفته از اسلوب قرآن است: «وَ قَدْ كُفُّوا عَنِ الْغَيْبَةِ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۱۳۳) و نیز عبارت: «لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ فِرَاقِ هَذِهِ الْبَيْتَةِ كُلِّهَا إِلَّا شَهْرٌ أَوْ بَعْضُ شَهْرٍ» (همان: ج ۱، ص ۶۶). متن قرآنی چنین است: «قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالَ لَبِثْتُمْ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» (بقره: ۲۵۹).

او در جای دیگری عبارت «سَفَرًا قَاصِدًا» را از قرآن وام گرفته و در عبارات خود به گونه زیبایی این اصطلاح بی‌مانند را به کار برده است: «وَ كَانَ سَفَرًا غَيْرَ قَاصِدٍ فِيهِ كَثِيرٌ مِنْ جَهْدٍ وَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ خَطَرٍ أَيْضًا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۳) که این واژه در قرآن کریم چنین به کار رفته است: «لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ» (توبه: ۴۲).

او در جای دیگر، به پیروی از قرآن، از اصطلاح «الْخَوْضُ فِي الْحَدِيثِ» استفاده می‌کند: «وَ خَلًّا لِلْإِسْتَاذِ وَ تَلْمِيزِهِ ... فَخَاضَتْ فِي بَعْضِ الْحَدِيثِ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۲۹) و هم چنین: «خَاضَ الشَّيْخُ فِي حَدِيثِ الْجَبْرِ وَ الْإِخْتِيَارِ» (همان: ص ۳۵). در آیه مبارکه چنین آمده است: هر گاه کافران آیات خدا را مورد تمسخر قرار دادند و آن را به بازیچه گرفتند، با چنین کسانی ننشینید تا آنگاه که به سخن دیگری بپردازند: «فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ» (نساء: ۱۴۰).

از دیگر ساختارهایی که طه حسین در اسلوب داستان‌نویسی خود به کار می‌گیرد، به کار بردن صیغهی «يَأْبَى» با «إِلَّا» استثنائیه است که در این اسلوب نیز، از قرآن وام‌گیری نموده است: «وَ يَأْخُذُ الْفَتَىٰ فِي حِوَارِ الشَّيْخِ عَلَىٰ عَادَةِ الْأَزْهَرِيِّينَ، فَيَسْمَعُ الشَّيْخَ لَهُ وَ يَرُدُّ عَلَيْهِ رَدًّا لَيَقْنَعُهُ، وَ يَأْبَى الْفَتَىٰ إِلَّا اللَّجَاجَ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۳۵). که در قرآن کریم چنین آمده است: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ»

(توبه: ۳۲).

۳-۵. اثرپذیری از اسلوب متنوع کاربرد حروف در قرآن کریم

طه‌حسین در نگارش داستانی خود، از اسلوب‌های متنوع قرآنی بهره برده است. نقش پرننگ حروف در پیوند ترکیب‌ها و جملات کتاب «الایام» نمونه‌ای از آن است که در این جا به برخی از این اثرپذیری اشاره می‌گردد:

۳-۵-۱. حرف «ثم»

او در عبارت زیر که مجلس خود را با جوانان به تصویر می‌کشد به تقلید از اسلوب قرآن، پی در پی از حرف ثم در عبارات خود استفاده می‌کند: «كَانَ ضَحْكُهُ غَرِيْبًا مُّضْحَكًا إِنْ جَازَ هَذَا التَّعْبِيْرُ فَقَدْ كَانَ يَبْدُوهُ عَالِيًا ثُمَّ يَقْطَعُهُ وَ يَضْحَكُ صَامِتًا لِحِظَةٍ ثُمَّ يَسْتَأْنِفُهُ عَالِيًا ثُمَّ يَقْطَعُهُ وَ يَمْضِي فِيهِ صَامِتًا ثُمَّ يَسْتَأْنِفُهُ...» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۲، ص ۵۶).

در این متن، ملاحظه می‌شود که حرف ثم در افاده معانی که بحث آن خندیدن و سکوت است، فراوان به کار رفته است. در این مورد علاوه بر شباهت ساختاری از نظر محتوا نیز تا حدودی مانند قرآن در آوردن صفتی و سپس نفی آن، عمل نموده است. چرا که موضوع آیه، بحث ایمان آوردن و کافر شدن است و متن فوق، بحث خنده و سکوت پی‌درپی است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» (نساء: ۱۳۷)

۳-۵-۲. «لام قسم» (لام موطنه للقسم)

او در جای دیگری از کتاب «الایام» از ساختار لام موطنه قسم و جواب آن به مانند اسلوب قرآن استفاده کرده است. در متن زیر بحث از اضافه کردن مواد درسی به مواد دروس دانشگاه الأزهر است. بدین منظور که اگر دروسی اضافه نگردد، شرح کافی که خود شارح آن بوده و بعدها دوست نداشت به او منسوب شود، به او منسوب می‌گردد: «لَئِنْ لَمْ يُضَفْ إِلَيَّ الْمَقْرَرُ دَرَوْسًا لَيُنْسَبَنَّ إِلَيْهِ الشَّرْحُ الْكَافِي» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۳۹).

متن قرآن کریم درباره ابراهیم (ع) است آنگاه که مشتاقانه در این هستی بی‌کران به دنبال شناخت خداوند سبحان بود: «قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ» (انعام: ۷۷).

۳-۵-۳. جمله‌ی پس از «إِنَّ»

گاهی حرف إِنَّ با «اسم موصول» به گونه‌ای استعمال می‌شود که از آن می‌توان به نوع خبرش پی برد. طه حسین از این اسلوب در سبک نویسندگی خود، استفاده نموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُرَاقِبُونَ تَهْرِبَةَ الْحَشِيصِ سِرَاقِبُونَ تَهْرِبَةَ الْأَسْلِحَةِ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۴۲). این نوع اسلوب برگرفته از اسلوب قرآنی زیر است: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر: ۶۰).

۳-۵-۴. «ما» نفی با «حتی»

در جای دیگری طه حسین ما نفی را با فعل «زال» و بعد از آن با حرف حتی، به کار گرفته است که برگرفته از اسلوب قرآن است. او در بیان ارتباط با مادرش می‌گوید: «فَمَا زَالَتْ بِكَ حَتَّى هَدَأَ رَوْعُكَ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱، ص ۱۴۷). در متن قرآنی، بحث هلاک نمودن امت‌های گذشته را بیان می‌کند: «فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ» (انبیاء: ۱).

۳-۵-۵. جمله‌ی پس از «لولا»

او در موارد بسیاری از اسلوب «لولا» همراه با جوابش به شیوه ساختار قرآنی استفاده نموده است. به عنوان مثال به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم. در عبارت زیر که بحث شرم و حیا را در برابر دوستان و همسرش را به تصویر کشیده، این چنین از اسلوب قرآنی لولا همراه با جواب آن پیروی کرده است:

«و لولا فَضْلُ مِنْ شِجَاعَةِ و اسْتِحْيَاءِ مِنَ الرَّفَاقِ و مِنْ زَوْجَةِ التِّي كَانَتْ تَشْهَدُ الْإِمْتِحَانَ و مِنْ سَائِرِ النَّظَارَةِ لَأَصْطَلَكْتَ أَسْنَانَهُ ذِعْرًا و هَلْعًا» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۳، ص ۱۲۹) که در این

زمینه می‌توان به آیه «و لولا فضلُ اللهِ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِی مَا أَفْضْتُمْ فِیهِ عَذَابٌ عَظِیْمٌ» (نور: ۱۴) اشاره نمود.

او در جای دیگر، از همین اسلوب زیبا استفاده و جواب لولا را با توجه به قرینه ما قبل، حذف کرده است:

«لَقَدْ كَادَتْ تَقَعُ الكَارِثَةُ لَوْلَا أَنْ تَوَسَّطَ القُطْبُ المُتَوَلِّی بَیْنَ النَّاسِ وَ اللهُ، فَصَرَفَ عَنِ النَّاسِ هَذَا البَلَاءِ وَ اِحْتَمَلَ عَنْهُمْ أَوْزَارَهُمْ» (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱، ص ۱۰۹). این اسلوب، تناسی با آیه‌ی مبارکه: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ» (یوسف: ۲۴) دارد که در آن جواب لولا با توجه به قرینه ما قبل آن، حذف شده است.

۴. نتیجه

از آن چه بیان شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

طه حسین با آگاهی گسترده و ژرف از میراث عربی قدیم و به ویژه با ذهن سرشار از محفوظات قرآنی خود، شیوه‌ای جذاب در پیوند متون با همدیگر در فرایند معنا سازی با استفاده از سبک آیات قرآن کریم به دست آورده است. کتاب «الایام» (آن روزها) که شرح حال زندگی آمیخته به درد و رنج خود اوست، نمونه‌ای عالی و مصداق بارز این اسلوب نویسندگی است. بینامتنیت قرآنی او محدود به اقتباس‌های ساده و تلمیح‌های عادی از قرآن کریم، چنان که غالباً متداول است، نمی‌شود. بینامتنیت قرآنی وی، بسیار متنوع، هنرمندانه و خلاق است و بافتی زیبا و متأثر از آیات، واژگان و ترکیبات قرآن کریم است. او با اثرپذیری از ساختار و اسلوب بیانی در جملات، گزینش و استعمال واژگان فخیم و محکم و به‌کارگیری فواصل موسیقایی آیات، نشر کهن عربی را احیا نموده و شیوه‌ای نو در نگارش نثری سهل و ممتنع با ویژگی جدید- قدیم پدید آورده است. در تزئین متون ادبی خود تنها به تکرار واژگان قرآن کریم اکتفا نکرده بلکه به والاترین سطح بینامتنیت، یعنی به‌کارگیری معنا در بافتی جدید و فضایی نو پرداخته است.

یادداشت‌ها

۱- طه حسین نویسنده توانمند مصر در سال ۱۸۸۹م. در روستای عربه از کشور مصر، دیده به جهان گشود؛ او که هفتمین فرزند خانواده‌اش بود (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱ ص ۳) در سن سه سالگی قدرت بینایی‌اش را از دست داد، اما خداوند به او هوش و استعداد وافر عطا نمود و همین هوش او زبانزد خاص و عام شد. پدرش وی را طبق رسم آن روزگار به مکتب خانه فرستاد تا اصول قرائت قرآن را بیاموزد، و توانست در مدت کوتاهی تمام قرآن را حفظ کند. خودش در این باره چنین می‌گوید: «هنوز به سن نه سالگی نرسیده بودم که بسیاری از دعاها و اشعار قدیمی و سرودهای صوفیانه و تمام قرآن را حفظ نمودم» (همان: ص ۲۷). در سن چهارده سالگی به فراگیری دروس دینی و زبان بیگانه پرداخت و اولین فعالیتش را با روزنامه‌نگاری آغاز کرد و از این به بعد به تحقیق و پژوهش درباره ادبیات کهن زبان عربی مشغول شد و سرانجام در سال ۱۹۱۴م. از پایان نامه دوره دکترای خود زیر عنوان «جایگاه ابوالعلاء المعری در ادبیات عرب» دفاع کرد. در آن زمان دانشگاه ملی مصر او را با هیأتی از اساتید، روانه کشور فرانسه نمود و در آنجا با ادبیات فرانسه آشنا شد. در سال ۱۹۳۶م. به عنوان استاد زبان و ادبیات عرب در دانشگاه مصر، شروع به تدریس نمود و در همین اثنا کتاب فی الشعر الجاهلی را به رشته تحریر در آورد که در آن، به جعلی بودن بسیاری از اشعار جاهلی اشاره کرده بود و سبب جنجال زیادی در کشورهای عربی شد. او مشاغل و مناصب فراوانی در کشور مصر عهده دار شد و در سال ۱۹۵۰م. وزیر آموزش و پرورش شد و سرانجام در سال ۱۹۷۳م. دیده از جهان فرو بست. (نک: طه حسین ادیب بزرگ عرب. حسن نجفی، بی‌تا؛ نظری، علی، ۱۳۷۵: صص ۱۱۹-۱۳۷)

۲ - اسلوب: مفهوم سبک یا اسلوب مانند بسیاری از مفاهیم دیگر مثال «وجود» بدیهی است، اما تعریف جامع و مانع آن دشوار است. به طور کلی می‌توان گفت که سبک، وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. یک روح یا ویژگی‌های مشترک و متکرر در آثار فردی است. (شمیسا، ۱۳۷۸: ص ۱۳-۱۴). دکتر فتوحی معتقد است، سبک‌شناسی عبارت است از بررسی گزینش‌ها و روش‌های استفاده از زبان‌شناسی، فرازبان و شگردهای شناخت زیبایی‌ها، صناعات و شگردهای خاصی که در ارتباط کلامی به کار می‌رود (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۲). به بیانی دیگر سبک‌شناسی دانش جدیدی است که به بررسی و تحلیل اسالیب ادبی و لغوی و هم‌چنین به بررسی صورت فنی با استفاده از دلالت‌ها و معانی می‌پردازد (عیاد، ۱۹۸۱: ۱۴-۱۳). از نگاهی دیگر سبک‌شناسی به بررسی متن ادبی و زیبایی‌ها و ویژگی‌های عاطفی آن می‌پردازد که در آن به زبان اهمیت بیشتری داده می‌شود (عبدالمطلب، ۱۹۸۴: ۶؛ عیاد، ۱۹۸۱: ۱۴-۱۳) و در نهایت سبک‌شناسی یا اسلوب چیزی غیر از واژگان و ترکیب‌های بیانی است و منظور از آن راه و روشی است که نویسنده، برای بیان واژگان و ترکیب‌های کلامی خود از آن بهره

می‌گیرد با این تعریف راز اختلاف شیوه‌های بیانی و کلامی میان نویسندگان از همدیگر متمایز می‌شود.
(زرقانی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۰۴)

منابع

قرآن کریم

۱. آدم، اسماعیل أحمد (۱۹۸۵م)، **أدباء معاصرون** (جزءان)، تحقیق: أحمد إبراهيم الهواری، قاهره: دار المعارف.
۲. حسین طه (۱۱۱۹م)، **الأيام**، ط ۵۵، قاهره: دار المعارف.
۳. زرقانی، محمد علی العظیم (بی‌تا)، **مناهل القرآن فی علوم القرآن**، بیروت: دار الکتب البنانی.
۴. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، **کلیات سبک‌شناسی**، چاپ ۵، تهران: انتشارات فردوس.
۵. الصعیدی، عبد المتعال (۲۰۰۵م)، **بغیة الايضاح لتلخیص المفتاح فی علوم البلاغۀ**، ط ۱۷، مکتبه الآداب.
۶. ضیف، شوقی (۱۹۷۱م)، **الأدب العربی فی مصر**، ط ۴، قاهره: دار المعارف.
۷. الفاخوری، حنا (۲۰۰۵م)، **الجامع فی التاریخ الأدب العربی**، بیروت: دارالجیل.
۸. فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، **سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، تهران: انتشارات سخن.
۹. الکاشف، محمدالصادق (۱۹۸۷م)، **طه حسین بصیرا**، ط ۱، قاهره: مکتبه الخانجی.
۱۰. الکیانی، محمد سید (۱۹۶۲م)، **طه حسین الشاعر الکاتب**، الدار القومیة.
۱۱. نظری، علی (۱۳۷۵)، «نقد و بررسی آراء و آثار انتقادی طه حسین در ادب عرب»، مجله علمی پژوهشی مدرس، دانشگاه تربیت مدرس، دوره دوم، شماره اول، زمستان، صص ۱۱۹-۱۳۷.

منابع اینترنتی

نجفی، حسن (بی‌تا)، **طه حسین ادیب بزرگ عرب**، www.tebyan.net

